

تأثیر پذیری رفتار اخلاقی ایرانیان از حضور امام رضا(ع) در ایران

۱ عمران قاسمی کشلو

۲ داود اصفهانیان

۳ محبوب مهدویان

۴ معصومه قره داغی

چکیده

با هجرت امام رضا(ع) در ایران فضاهای زیارتی و عبادی تاسیس شد که می‌توان به ساخت بناهایی مانند مساجد، حوزه‌های علمیه با محوریت فرهنگ تشیع اشاره نمود. مهاجرت سادات پس از ورود امام رضا(ع) به ایران که بعدها تحت تعقیب عباسیان قرار گرفته و عده زیادی از آنها در شهرهای مختلف به شهادت رسیدند و مزارهای هر یک به کانونی برای فرهنگ تشیع تبدیل و گسترش تشیع را فراهم کرد. مزارهای متبرک در ایران، نمودی از آرمان‌های تشیع که از اسلام ریشه گرفته بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزش‌های والای مکتب تشیع محسوب می‌گردد. سوال اصلی این تحقیق عبارت از این که حضور امام رضا در ایران چه تأثیری بر رفتار اخلاقی مردم داشت؟ روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. نتایج و یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با حضور امام رضا(ع) در ایران مردم به سمت معنویت هدایت شده و بعد از شهادت ایشان نیز با ترویج فرهنگ زیارت و حضور سادات دعوت شده مردم ایران در معنویت رشد فزاینده‌ای پیدا کردند. پس از شهادت امام رضا دوستان و شیعیان آن حضرت متوجه زیارت آن حضرت شده و تدریجاً فضاهای زیارتی و عبادی در مشهد پدیدار گردید و اقشار مختلف مردم به ویژه علمای شیعه در آن سکنی گزیدند.

واژگان کلیدی

امام رضا(ع)، ولایتعهدی، ایران، خراسان، رفتار شیعیان.

۱. گروه الهیات و معارف اسلامی، تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

Email: omrangasemi86@yahoo.com

۲. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: esfahaniandavod@gmail.com

۳. گروه الهیات و معارف اسلامی، تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

Email: dr.m.mahdavian@gmail.com

۴. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

Email: Masomehgaradagi90@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۷

طرح مسأله

مهاجرت سادات دلیل اصلی گسترش تشیع در ایران بوده است. علمایی که در این گسترش تأثیرگذار بودند در واقع با واسطه یا بی واسطه جز شاگردان سادات محسوب می‌شوند که نشان روشن از تأثیر هجرت سادات در گسترش تشیع در ایران دارد. دوران امام رضا را نقطه اوج نهضت ترجمه می‌دانند. زمانی که ترجمه کتب بیگانه با دامنه وسیعی در محیط جامعه اسلامی رواج پیدا کند و با توجه به این که کتب ترجمه‌ای وارداتی هم می‌توانست مشتمل بر فواید علمی باشد و هم مشتمل بر مطالب غیر مفید و بلکه انحرافی، طبیعتاً توجه به این کتب با رویکرد استفاده علمی از آنها و نیز ارزیابی و نقد و بررسی مطالب غیر صواب، امری طبیعی خواهد بود و همین نکته باعث شد که محافل علمی حول بررسی کتب ترجمه‌ای پدید آید و در ضمن این بررسی‌ها به فرآورده‌های علمی کلانی که اثری از آنها در کتب ترجمه‌ای نبود، بدست آید. ورود دانشمندان در رشته‌های مختلف علمی از سایر بلاد به محیط جامعه اسلامی نیز در رویکرد جامعه عصر امام رضا به توسعه علمی کمک کرد. محافل علمی که توسط این دانشمندان برگزار می‌شد و اصل حضور آنها در محیط جامعه اسلامی، خود موجب تشویق و ترغیب اهل علم به روی آوری جدی‌تر به علوم و تولید علم گردید. عملکرد مأمون سوای اغراضی که داشته است نیز به نحوی می‌تواند در این قضیه مؤثر باشد. مأمون از دانشمندان بلاد مختلف دعوت کرد تا به خراسان بیایند واز مجالست با آن ابراز خرسندی می‌کرد. محافل علمی و جلسات مناظره تشکیل می‌داد و خلاصه نسبت به اموری از این قبیل استقبال می‌کرد. در باب ترجمه کتب هزینه‌های زیادی صرف کرد و همین امر به نحوی در شکل دهی وضعیت علمی جامعه تأثیرگذار بود. البته در خصوص صدور این امور از مأمون عباسی، با توجه به دشمنی‌ای که با امام رضا به عنوان امام مسلمین و کسی که در علوم مختلف منحصر به فرد است، داشت، شاید نتوان مصرانه به علم دوستی مأمون رأی داد و حتی به شهادت تاریخ تشکیل جلسات مناظره برای امام رضا توسط مأمون فقط به انگیزه مغلوب کردن آن حضرت بوده است نه چیز دیگر. دلیل دیگر آنکه پس از شهادت امام رضا دیده نشد که مأمون جلسه علمی و یا مناظره علمی برگزار کند. تا امام رضا به عنوان امام مسلمین و عالم اهل بیت در قید حیات بودند، به جهت سیطره ابهت علمی ایشان که بر جهان علم سایه افکنده بود از یک طرف و نگرانی مأمون از روی آوردن جامعه علمی اسلامی و غیر اسلامی به آن حضرت، از سوی دیگر، آن خلیفه عباسی بر آن شد تا برای رهایی از این مخمصه و اینکه نشان بدهد که او هم اهل علم است و از طرفی جامعه جهانی او را به سبب دشمنی با امام مخالف علم و دانش نخواند و بدین وسیله پایه‌های حکومت خود را محکم کند، به این سری امور ارزشی اقدام کند.

در زمینه سوابق و پیشینه این پژوهش می‌توان مدعی شد که تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در مورد امام رضا انجام گرفته اما به صورت مقاله پرداختن به تاثیر اخلاقی امام در بین ایرانیان کمتر پرداخته شده است. کاظم منافی شرف آباد و فاطمه سیفی (۱۳۹۱) در کتاب نقش امام رضا (ع) در تعمیق و گسترش تشیع ایرانیان که توسط بنیاد بین المللی فرهنگی امام رضا به چاپ رسیده به حضور امام رضا (ع) در ایران که از لحاظ تاریخ تشیع اهمیت دارد پرداخته است. محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۵) در کتاب علی بن موسی (ع)، امام رضا که توسط نشر دلیل ما به چاپ رسیده در مورد سیره و تاریخ زندگی امام رضا (ع) به طور مفصل از ولادت تا شهادت آن حضرت را بررسی نموده است. حسنی، کریم (۱۳۹۲) در مقاله نقش امام رضا علیه السلام در ارتقاء و تقویت تشیع در ایران که در مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی - پژوهشی زلال اندیشه رضوی، پایگاه معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده به نقش امام رضا پس از هجرت به ایران پرداخته است به انس گرفتن مردم با خاندان آل بیت علیه السلام و تشیع در ایران را بررسی نموده اما در این تحقیق بیشتر به جنبه اخلاقی این پژوهش پرداخته خواهد شد.

تعریف هجرت

هجرت و «مهاجرت» از نظر لغت و ادب عربی اسلامی، عبارت است از: «ترک وطن و زادگاه» و در مجمع البحرین آمده است: «هر کس از شهر خود بیرون آید به قصد دینی مانند طلب علم، انجام حج و یا سکونت در شهری که در آنجا بیشتر به فرمان خدا و از دنیا دور است، هجرت به خدا و رسول تلقی می‌شود.» از این رو، در مورد مهاجر نقل شده است: «المهاجر مَنْ هَاجَرَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَ الْمُهَاجِرُ مَنْ تَرَكَ الْبَاطِلَ إِلَى الْحَقِّ. مَنْ دَخَلَ الْإِسْلَامَ طَوْعًا فَهُوَ مُهَاجِرٌ» مهاجر به کسی گفته می‌شود که آنچه را خداوند بر او حرام فرموده است، ترک کند. مهاجر کسی است که باطل را ترک گوید و به سوی حق حرکت کند. آنکه از روی طوع و رغبت وارد اسلام شود مهاجر خوانده می‌شود. (مهدی پور، ۱۳۷۴: ۹۱) هجرت در حرکت شیعه عبارت است از ترک وطن به واسطه فشار و آزار حکومت وقت برای ادای دین. هجرت و هجرت‌گزینی علل و عوامل گوناگونی دارد. اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها، این است که اشخاصی که هجرت می‌کنند شرایط و امکانات و مقتضیات زمانی و مکانی خویش را به گونه‌ای می‌بینند که هدف و مقصد آن‌ها را تأمین نمی‌کند. از این رو، با احساس مسئولیت و تکلیف که نسبت به وضع موجود و تغییر آن می‌کنند، با آگاهی و اراده، از محیطی که بدان انس گرفته و دلبسته‌اند، به سبب هدفی و الاثر از علاقه‌های شخصی و گاه به دلیل نامالایمات زندگی در عرصه سیاسی اجتماعی و حتی گاه اقتصادی، هجرت (ترک وطن) را برمی‌گزینند و رنج دوری از

وطن، دوستان و یاران خویش را با جان و دل می پذیرند تا از وضع موجود رهایی یابند و چه بسا در مکان ناشناخته تأثیر بیشتری بر جای بگذارند. (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۸) در دوران امامان معصوم علیهم السلام با توجه به حاکمیت نظام غاصب و سخت گیری آنان، شیعیان و امامزادگان نیز از این حربه به عنوان عاملی مؤثر در جهت ادای وظایف و مسئولیت های خویش بهره جستند. هجرت آنان عموماً به مناطق امن و مورد اطمینان و یا مناطق دوردست کوهستانی و صعب العبور بود تا هم از دست رسی حکومت در امان باشند و هم با هجرت به مناطق مورد نظر، به ترویج و تبلیغ دین اسلام و روشنگری نسبت به اعمال حکومت وقت، وظیفه سیاسی و دینی خویش را انجام دهند. در حقیقت، هجرت در عمل، نفی نظام حاکم و رساندن پیام اعتراض به حکومت و تبلیغ عقاید شیعه و جذب مردم به دین حقیقی و اصیل اسلامی و بیان مظلومیت و حقانیت اهل بیت علیهم السلام در مراکز مهاجرنشین بود. هجرت مهاجران، بخصوص در دوران حکومت عباسی، که فشار و ایدای شیعیان را هدف حکومت خویش قرار داده بود و با عملکرد خویش موجب گسترش جوّ اختناق و نفاق در جامعه شده بود، همواره مورد تأیید ائمه اطهار قرار داشت. چنان که امام رضا فرمودند: «من هجر بدینه من ارض الی ارض و ان کان شبرا من الارض استوجب الجنة و کان رفیق ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله» (ابی الحدید، ۷۴/۴ وسعد، ۲۰۷/۱) کسی که به خاطر دینش، از سرزمینی به سرزمین دیگر برود، هرچند مسافت این هجرت یک وجب باشد، مستوجب بهشت خواهد گردید و رفیق حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود. علویان و سادات به علت حساسیت حکومت نسبت به آن ها، همواره مورد آزار و اذیت حکومت قرار می گرفتند و در صورت اعتراض، با کوچک ترین بهانه و سوء ظنی تحت تعقیب واقع می شدند. از این رو، شیعیان برای فرار از وضعیت ناهنجار سیاسی و اجتماعی موجود و عدم امنیت جان و مال و ناموس خویش و برای انجام تکالیف و مسئولیت های خود به مناطق دوردست هجرت می گزیدند. ایران همواره یکی از مناطق امن برای حضور سادات بود. هجرت شیعیان به ایران از همان قرن نخست هجری آغاز شد و در نیمه دوم قرن هجری سرعت بیشتری گرفت. گروه زیادی از علویان پس از مهاجرت به ایران، در شهرهای گوناگون از جمله قم، ری، اصفهان، گرگان، آوه، کاشان و سبزوار در کنار سایر قبایل عربی مهاجر ساکن شدند و زندگی خود را آغاز کردند. شیعیان با حضور خویش در میان مردم، به تبلیغ و ترویج تشیع راستین پرداختند و این امر همواره از سوی ایرانیان مورد استقبال قرار گرفت. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۹۸) علویان و سادات منسوب به نبی مکرم اسلام (ص) بر مبنای خط مشی کتاب الهی و سنن نبوی و به دلیل مخالفت با زمانه خویش، هر جا که فرصت برای قیام بود، قیام می کردند و حتی خلفا نیز از این امر بیمناک بودند و هر زمان که محیط را مناسب برای ادامه فعالیت آزادی بخش نمی دیدند.

مهاجرت سادات به ایران

زمانی که مأمون حکومت را به دست آورد، دارای مقبولیت سیاسی بود اما از مشروعیت برخوردار نبود، لذا برای کسب آن دستور داد امام رضا (ع) را به مرو بیاورند، سفری که کاملاً اجباری بود و امام به خلاف میل باطنی خود به این سفر تن داد. (ابن بابویه صدوق، ۱۴۰۴ق: ۲/۲۳۴) در عیون اخبار الرضا (ع) نقل شده، زمانی که حضرت آماده حرکت به خراسان شدند وارد مسجد النبی شده و با صدای بلند گریه کردند و فرمودند: همانا از جوار جدم خارج می شوم در حالی که می دانم در بلاد غربت رحلت خواهم نمود. امام رضا (ع) بارها به کنایه در مجالس مختلف، از اجباری بودن سفرشان سخن گفتند و با بینشی بالا و رفتاری مناسب و تدبیری دقیق، پشت پرده این ماجرا را برای اطرافیان و مردم مشخص کردند. اتفاق مهمی که رخ داد عزیمت سادات علویه از اطراف شام، حجاز، عراق، یمن و مدینه و هر جا که بودند به سوی خراسان بود تا به امام رضا بپیوندند. (آملی، ۱۳۴۸: ۸۱) بعد از مهاجرت امام رضا گروه‌های مختلف از شیعه، یاران و اقوام امام راهی ایران و سرزمین‌های شرقی شدند. یکی از نمونه‌های شاخص این مهاجرت ها، خواهر امام، حضرت معصومه (س) بود که همزمان با آمدن امام رضا (ع) وارد ایران شدند، اما زمانی که به قم رسیدند، بیمار شده و در این شهر از دنیا رفته و مدفون گشتند. مرقد مطهر ایشان مورد زیارت خاص و عام قرار گرفت و سبب گسترش تشیع در قم شد و به دنبال این تعدادی از سادات به قم مهاجرت کردند. این عوامل باعث شد که قم به یک مرکز فرهنگی مهم تشیع تبدیل شود و مدارس و حوزه‌های علمیه متعدد در این شهر به وجود آید که امروزه ده‌ها مدرسه، کتابخانه، دانشگاه بزرگ جهانی و پژوهشگاه دارد. از مدارس وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) می‌توان به مدرسه فیضیه آستانه مقدسه، مدرسه مهدی قلی خان، مدرسه جناب حاجی ملا صادق، مدرسه ناصریه، مدرسه مشهور به لکهاو مدرسه محمد مومن خان اشاره کرد. وجود آرامگاه حضرت معصومه (س) در قم سبب گسترش تشیع و فرهنگ اسلامی در این شهر شد و به مرور زمان قم به مرکز حفظ حدیث اهل بیت تبدیل گشت. (جعفریان، ۱۳۸۰: ۱/۲۳۳ و طباطبایی، ۱۳۶۴: ۱۱۵-۱۱۶) هم‌زمان با این بانو حضرت احمد بن موسی کاظم برادر امام رضا (ع)، در دوره مامون با گروهی عازم ایران شدند تا به برادر خود بپیوندند اما در شیراز با قتلخ خان فرمانروای مامون که از آمدن ایشان آگاه شده بود، درگیر شدند و میان آنها جنگ در گرفت و در محلی که اکنون آرامگاه احمد بن موسی قرار دارد و به شاه چراغ معروف است، ایشان را به شهادت رساندند که وجود آرامگاه ایشان در شیراز باعث شکل‌گیری و رونق مراکز علمی و فرهنگی شده است. (مرعشی، ۱۳۶۸: ۲۷۴)

سادات در مقاطع مختلف و با انگیزه‌های متفاوتی پایه سرزمین ایران گذاشتند. گروه اول زمانی به ایران مهاجرت کردند که حضرت امام علی بن موسی در ماجرای ولایت‌مهدی از مدینه

عازم مرو شد. عده ای از سادات موسوی، حسنی، حسینی یا به شوق دیدار امام رضا و یا پس از باخبر شدن از توطئه مامون و شهادت امام رضا عازم ایران شدند. (مرعشی، ۱۳۶۸: ۲۷۵) در این زمینه می‌توان به کاروان احمد بن موسی و برادران وی و همچنین فاطمه بنت موسی اشاره کرد. شمار امامزادگانی که همراه احمد بن موسی وارد ایران شدند در منابع از هفتصد تا پانزده هزار نفر ذکر شده است. (عرفان منش، ۱۳۷۷: ۵۷) بعد از شهادت امام رضا عده‌ای از سادات به کوهستان های دیلمستان و طبرستان پناهنده شدند و برخی در آنجا شهید شدند که مزار و مرقد آنها مشهور و معروف است. به علت تنوع آب و هوایی و وجود جنگل ها و مناطق حاصلخیز، کسب درآمد برای ادامه حیات، در این سرزمین آسان بود به عنوان مثال آب و هوای قم با طبع عربی سازگار بود، لذا مهاجرت های عده زیادی به شهر قم بود^۱. مزارهای متبرک در ایران پشتوانه عظیمی برای ارزش های والای مکتب تشیع محسوب می شوند. (حر، ۱۳۸۷: ۳۹) سلطان الواعظین شیرازی در کتابش در مورد این هجرت می گوید: در آخر قرن دوم هجری که مأمون، حضرت امام رضا(ع) را جبراً ولیعهد خود نمود و به طوس برد، بعد از مدتی برادران امام، به شوق زیارت ایشان به سمت خراسان عزم سفر کردند. در این سفر، جناب سید امیر احمد عابد و جناب سید علاءالدین حسین، برادران معظم و جمع کثیری از برادرزادگان و بنی اعمام و اقارب و دوستان حضور داشتند. طریق مسافرت به طوس در آن زمان غالباً از راه کویت، بصره، اهواز، بوشهر و شیراز بوده است. (شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۹۵) در این مسیر نیز عده زیادی به این کاروان پیوستند و جمعیتی بالغ بر پانزده هزار نفر از زن و مرد را به وجود آوردند. خبر به مأمون رسید و او دستور صادر نمود که تمامی حکام بلاد در هر جا که قافله بنی هاشم و علویان را دیدند، مانع از ادامه حرکت ایشان شده و آنها را به مدینه بازگردانند، البته در بعضی کتب این طور آمده که در هر جا آن ابوتراب احمد بن موسی (ع) را یافتید به قتل برسانید. قتلخ خان (حاکم شیراز) با چهل هزار سرباز در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زدند و با رسیدن قافله علویان، دستور مأمون را به گوش سران علویان رساندند اما آن ها حاضر به بازگشت نشدند. سرانجام همین که صبح روز بعد کوس رحیل نواخته شد، لشکر حاکم فارس، راه را بست و عاقبت کار از حرف به حرب کشید و جنگ خونین آغاز شد و وقتی سپاهیان حاکم شیراز دیدند در مقابل علویان ناتوان هستند دست به نیرنگ و حيله زدند و علویان را وارد شهر کردند و کارشان را یک سره نمودند و همگی را در مواضع مختلف به قتل رساندند. مسلماً اگر غرض از این هجرت، صرف دیدار امام بود، معقول نمی آمد که ایشان کار را به جنگ بکشانند در واقع این هجرت به منظور قیام بر علیه

۱. منطقه را باید نسبت به مناطق دیگری که سادات هجرت کرده اند سنجید مثل منطقه طبرستان نسبت به افریقا و مغرب الاقصی.

خلیفه بوده است. قیامی که انگیزه آن آگاه شدن احمد بن موسی (ع) از توطئه قتل امام و یاری وی، در دفع توطئه مأمون ذکر شده است و این نشان از هدف و مقصد بزرگی بود که همواره اهل بیت (ع) دنبال می کردند و هر زمان که این امکان به هر شکلی پیش می آمد، این بزرگواران مهاجر، لحظه ای را از کف نمی دادند (شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۴۵). با تاریخ شدن هوا و پایان این جنگ خونین، عده ای از سران اصلی علوی به صلاح دید سید احمد بن موسی (ع) به اطراف و اکناف پراکنده شدند. به همین ترتیب، عده ای به سمت مناطق مرکزی و سپس شمال ایران رفته و مخفیانه ادامه حیات دادند. سید احمد بن موسی (ع) با برادران خویش، یعنی محمد بن موسی (ع) معروف به عابد و حسین بن موسی (ع) معروف به علاءالدین حسین، مخفیانه وارد محله ای در شیراز شده و زندگی مخفیانه ای را آغاز نمودند. دشمن به سختی در جستجوی آن ها بود و سرانجام محل اختفای او و یارانش را یافتند و آنان را به شهادت رساندند که امروزه محل زیارت عاشقان اهل بیت می باشد. جایگاه احمد بن موسی به قدری بالا بود که برخی قائل به امامت وی بودند. (عرفان منش، ۶۱) هارون فرزند امام موسی کاظم (ع) به کاشان آمد و در این شهر از دنیا رفت. در آوه شهادتگاه و آرامگاه دو برادر دیگر امام رضا (ع)، به نام های فضل و سلیمان قرار دارد. (قزوینی رازی، ۱۳۷۱: ۱۷۰) در شهر ری و در جوار شاه عبدالعظیم مقبره حمزه بن موسی بن جعفر قرار دارد و زیارتگاه مردم است این مقابر به مرور زمان مورد توجه شیعیان قرار گرفت و در گسترش تشیع و فرهنگ و تمدن اسلامی در این مرز و بوم موثر واقع شد. هر یک از این مقابر دارای موقوفات و کتابخانه است و مکانی برای انجام مراسم عبادی و مذهبی مسلمانان و شیعیان ایران می باشد.

عوامل مهاجرت سادات

ایران دور از دسترس حکومت‌هایی بود که مرکز آنها در شام و یا عراق قرار داشت. زمانی که یحیی بن زید قصد هجرت نمود ابتدا خواست به بین النهرین برود اما سلمه بن ثابت به او گفت که اگر می خواهی بین النهرین را محل نهضت خود قرار دهی خوبست در همین جا برخیزیم و بجنگیم و کشته شویم، بعد از آن یحیی به کربلا و از آن جا به خراسان نقل مکان نمود. انتخاب ایران برای هجرت انفرادی یحیی بن زید نشان از امنیت نسبی ایران دارد که علویان را به سوی این سرزمین سوق داد. (اصفهانی، ۱۴۶) مرفه بودن شهرهای ایران. محبوب بودن آنان نزد مردم این سامان. چه آن که آنها فرزندان رسول خدا بودند. (جعفریان، ۱۵۹) رفاهی که شهرهای ایران ایجاد می کرد، موجب روی آوردن اعراب به این مناطق بود و همین موضوع موجب جذب سادات نیز شده است. وجود این مناطق، می توانست موجب این شود که سادات فراری از دست حکومت، در بیرون از شهر و در منطقه ای دور از دست حاکمان جور زندگی کنند

و رفاهی نسبی را برای خود فراهم آوردند. تسامح مأمون در مقابل سخت‌گیری پدرش رشید نسب به سادات، در رشد و گسترش علویان تأثیر بسزایی داشت. او گرچه با قیام‌های آنها به شدت برخورد کرد، به علت اعتقادی که به برتری علی بر سایر خلفا داشت، نسبت به علویان نیز احترام زیادی قائل بود، اما با این همه، سیاست او در اواخر نسبت به این افراد، که در هر حال حکومت عباسیان را تهدید می‌کردند، کاملاً عوض شد. حتی مأمون در زمینه عصمت انبیا و مسائل دیگر سواداتی می‌پرسید و با پاسخ‌های امام وی راتقدیر می‌کرد. (صدوق، ۱۳۸۰: ۳۹۸) آمدن حضرت فاطمه معصومه به ایران از جمله مهاجرت‌هایی بود که همزمان با آمدن علی بن موسی به ایران صورت گرفت. (جعفریان، ۱۶۲) حضور این بانوی گرامی سبب گسترش بیشتر تشیع در قم گردید. پس از رحلت و به خاک سپردن ایشان در این شهر نیز تربت مطهرش مورد زیارت خاص و عام قرار گرفت، حتی بعد از وفات ایشان عده‌ای از سادات نیز به قم مهاجرت کردند. حضرت احمد بن موسی کاظم نیز در دوره مأمون با گروهی عازم شیراز شد تا سرانجام به برادرش امام رضا بیوندد. چون قتلغ‌خان، فرماندار مأمون در شیراز از آمدن احمد آگاه شد، در بیرون شهر در محلی روی به احمد آورد که به آن نقطه خان زینال، می‌گفتند. هر دو گروه با هم برخورد کردند و میانشان جنگ در گرفت، پس مردی از یاران قتلغ فریاد زد: اگر می‌خواهید به امام رضا برسید، او شهید شد. هنگامی که یاران احمد بن موسی این سخن را شنیدند، از اطرافش پراکنده شدند و جز بعضی از قبیله و برادرانش کسی با او نماند. پس به طرف شیراز روی آورد و مخالفان در پی او آمدند و در همین نقطه که اکنون آرامگاه اوست و به شاه‌چراغ معروف است، وی را به شهادت رساندند. (حسینی، ۱۶۰) مرعشی درباره آمدن سادات به ایران چنین می‌نویسد: «سادات از آوازه ولایت و عهدنامه مأمون که بر حضرت امام پناهی داده بود، روی بدین طرف نهادند و او را بیست و یک برادر بودند. این مجموع برادران و بنو اعمام از سادات حسینی و حسنی، به ولایت ری و عراق رسیدند...» (مرعشی، ۱۳۶۸: ۲۷۷) پس از اقدام مأمون در به شهادت رساندن حضرت امام رضا (علیه السلام) سادات به دیلمستان و طبرستان پناه بردند. مرعشی در این باره می‌نویسد: «... چون سادات خیر غدر مأمون، که با حضرت رضا کرد شنیدند پناه به کوهستان دیلمستان و طبرستان بردند و بعضی بدانجا شهید گشتند و مزار و مرقدشان مشهور و معروف است و بعضی در همان جا توطن نمودند و اولاد و اتباع ایشان باقیست و چون اصفهیدان مازندران در اوایل که اسلام قبول کردند، شیعه بودند و با اولاد رسول‌الله (ص) حسن اعتقاد داشتند، سادات را در این ملک مقام آسان‌تر بود...» (همان) گروه دیگر ساداتی بودند که هنگام ظهور و یا قیام یکی از علویان بر علیه خلفای جور اموی و یا عباسی شرکت کرده بودند که بعد از شکست قیام تحت تعقیب قرار می‌گرفتند. مردم ایران به دلیل عشق به خاندان علی (ع)، مهاجران از تبار ائمه اطهار به این کشور می‌آمدند اما به دلیل حکمفرمایی

عاملان خلفای عباسی، بیشترشان به طور ناشناس وارد ایران می‌شدند.

خراسان از دیگر مناطقی بود که مرکز نهضت و قیام بر علیه حکومت اموی و عباسی بود. در زمان مامون به قیام‌های ابن طباطبا و ابوالسرایا در کوفه و زید بن موسی در بصره و اهواز، اسماعیل بن موسی کاظم در فارس و همچنین هجرت حضرت معصومه و قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا که همراه با کاروان عظیمی از سادات علوی و امامزادگان از مدینه به سمت خراسان (مرو) در حال حرکت بودند اشاره کرد. (عرفان منش، ۱۳۹۱: ۳۲) در زمان خلفای عباسی زمانی که نسبت به شیعیان شدت عمل بیشتری نشان داده می‌شد باعث تشدید مهاجرت گروهی از شیعیان و اولاد و احفاد ائمه اطهار به ایران می‌گردید. به عنوان مثال می‌توان از فرمان متوکل خلیفه عباسی در سال ۲۳۶ق در تخریب روضه مطهر حضرت سیدالشهدا و قتل عام شیعیان که سید عبدالعظیم حسنی در پی این واقعه عازم ایران شد یاد کرد. در سال‌های اولیه وفات و یا شهادت امام زادگان، بناهایی ساده بر مزار آن‌ها ساخته و به مرور زمان بناهای رفیع و عمارات با شکوهتر بر مرقد آنها بنا شده است. برای نگهداری این عمارت‌ها توسط نیکوکاران اموال و املاکی بر آن وقف شده است. این توجه در همه ادوار تاریخی از سوی مردم ایران، بزرگان و حکام مشهود می‌باشد اما در مقاطعی اقدام به بازسازی، تجدید بنا و توسعه بقاع متبرکه که فزونی یافته است. (عرفان منش، ۱۳۹۱: ۳۳) سادات در ایران نسبت به سایر بلاد اسلامی همواره از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند. این رویکرد به طور طبیعی موجب گرایش آنان برای عزیمت به سوی ایران می‌شد. ریشه این محبوبیت را می‌توان در عملکرد امام علی (ع) جست. امام علی (ع) چندین اقدام مهم انجام داد و ایرانیان را شیفته خود نمود. بعد از پیروزی سپاهیان اسلام بر ایران، به اسرای ایرانی کمک زیادی کرد و حتی خواستار قصاص قاتل هر زمان شد. از سرداران و سایر اسرا حمایت نمود، خانواده سلطنتی را از بین اسرا خارج کرد و شهربانو، دختر شاه ایران را به همسری فرزند خود امام حسین (ع) درآورد و نگذاشت اعتبار ایرانی و شکوه آنان شکسته شود. (ابن اثیر، ۳/۷۵) تبعیض بین عرب و عجم را از بین برد و همه را برابر معرفی نمود. به عنوان مثال روایتی از امیرالمومنین هست که می‌فرماید: خداوند شش گروه را به خاطر شش خصلت، عذاب می‌کند، نخست عرب به خاطر تعصب عربی. سوم این که ایشان دستگاه حکومتی را به کوفه منتقل نمودند، جایی که سرای ایرانیان بود و به این ترتیب جمع کثیری از سپاهیان امام را ایرانیان تشکیل می‌دادند و امام از آن‌ها در بدنه حکومتی خود نیز استفاده می‌کرد. از جمله دلایل محبوبیت سادات در ایران، به جز خدمات امام علی (ع)، می‌توان از حضور امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در سال ۲۹ هجری در ایران و منطقه طبرستان و رویان دانست. علویان که انسان‌هایی بسیار با ایمان و زاهد و خداباور بودند، رفتارشان باعث جذب محبت و جلب قلوب انسان‌های تازه مسلمان ایرانی می‌گشت. نکات مشترک زیادی بین ایرانیان و اعتقادات شیعی

وجود دارد از جمله نگرش عدالت خواهانه و ضد ستم. در منابع اهل سنت، اعتقاد به جنگ با حاکم فاسد و جائز از نشانه‌های شیعی عنوان گشته است. ویژگی که در میان ایرانیان نیز مورد احترام بوده است.

گسترش اعتقادات شیعی

در سیره امام رضا (ع) اخلاق باید بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، آداب و رسوم اجتماعی سلطه داشته باشد و امام در مواجهه با سیاست هم اخلاق مدار است. حیثیت علمی امام، مهم ترین عامل توسعه مذهب شیعه به حساب می آید. به ویژه که مبانی فکری شیعه نیز در آن شرایط مشخص شده بود و طبعاً مرجعیت علمی امام، توسعه فکر شیعی را در برداشت. رجاء بن ابی الضحاک که مسئولیت آوردن امام را برعهده داشت، درباره حوادث طول راه نقل می کند که در هیچ شهری از شهرهای فرود نمی آمدیم مگر آنکه مردم سراغ او می آمدند و از او درباره مسائلشان استفتاء می کردند. او نیز احادیث زیادی از طریق آبائش برای آنها نقل می کرد. از سوی دیگر ورود امام رضا به خراسان، حرکت گروهی سادات و شیعیان را به ایران را در پی داشت. علویان از موقعیت به وجود آمده برای امام رضا (ع) در حکومت مامون استفاده کردند و به صورت گروهی راهی ایران شدند. رسالت امام رضا را در راستای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی و تربیت مردم ایران می توان معرفی نمود. (همایون، ۱۳۹۲: ۳۳) آنان به شوق دیدار با امام رضا (ع) از مدینه به سوی مرو می رفتند. مامون که از فروپاشی حکومتش می ترسید به حاکم فارس دستور داد تا از ورود آنان جلوگیری کند که در نهایت به کشته شدن بسیاری از آنها گردید. دوران پربار امامت امام رضا به ویژه دهه دوم آن، دوران آزادی و آسایش نسبی شیعیان است. در این دوران، شیعیان و سادات از اطراف برای دیدن و بهره بردن از محضر علی بن موسی الرضا به خراسان روی آوردند. امام رضا به صورت هدفمند به اجرای برنامه هایی پرداختند که نتیجه آن تحقق رسالت الهی و هدایت و جهت دادن فطرت انسان ها بود. (صالحی، ۱۳۸۴: ۱۸۵) بی شک همان دو سال حضور امام در خراسان سبب گسترش تشیع در خراسان و نواحی آن شده بود. اهمیت نفوذ تشیع و گسترش آن پس از ورود امام رضا (ع) به خراسان به گونه ای بود که زمینه قیام محمد بن قاسم علوی در طالقان را فراهم ساخت. در خراسان بسیاری به تأسی از امام عمامه ای بر سر می بستند و رفتارهای امام با مردم که مردم از آنها به عنوان سبک زندگی الگوبرداری می کردند هر چند این قیام در سال ۲۱۹ ه. ق چند سال بعد از شهادت امام رضا رخ داد، از آن روی که باعث گسترش تشیع در بخشی از خطه خراسان شد در خور توجه است. بدون تردید هر فرایند فرهنگی همچون فرایندهای اجتماعی و سیاسی، در سیر تحول خود با عوامل شتاب دهنده یا کاهنده روبه رو می شود که تاثیر محسوس و گاه شگرفی در پیشرفت یا پسرفت

فرایند یاد شده دارد. حضور امام رضا در ایران و مخصوصاً در شهرهای خراسان را باید نقطه عطف مهم در گسترش تشیع در ایران محسوب داشت. چرا که دوران حیات امام رضا (ع) را باید دوران اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت و گسترش پایگاه های مردمی این خاندان دانست. البته تا آن زمان بسیاری از ایرانیان با جذب روحیات حماسی شیعیان عمدتاً زیدیه و حق طلبی های آنها به تشیع گرایش پیدا کرده بودند، با این حال باید گفت که عمده حرکت های شیعی با نوعی قیام های خونین بدون برنامه منظم و با ساده انگاری و بی برنامه‌گی همراه بود. این قیام ها امکانات و جان بسیاری از شیعیان را هدر داد اما در راستای تحول حرکت های فرهنگی-تبلیغی امامان شیعی اثناعشری در ایران، علی بن موسی الرضا به ایران آمد و به دنبال خود عده زیادی از داعیان و بزرگان شیعیان امامیه را به ایران کشاند. این داعیان که عمدتاً از سادات بودند در بیشتر مناطق ایران حضوری موثر داشتند و حتی پس از مرگشان، مدفن آنها به زیارتگاه مردم بومی تبدیل شد. این زیارتگاه های امامزادگان همچنین به مرور مرکزی برای انجام شعائر مذهبی و آموزش های مکتبی شیعیان شد. تحول بزرگی در هویت شیعیان ایرانی و روند پویایی و رشد آنان ایجاد شد. به گونه ای که هویت اجتماعی شیعیان ایران از هویت عمدتاً زیدی به هویت اثناعشری تغییر یافت. چرا که حرکت های شیعیان ایرانی تشنه عدالت بود و با ورود امام رضا به ایران و نهادینه شدن مبانی و اصول مکتب اثنی عشریه در ایران، فعالیت های شیعیان ایران از قیام های خام و بی نتیجه به حرکت های بزرگ و با برنامه تبدیل شد به گونه ای که در آینده، این جنبش های موفق به ظهور دولت های منطقه ای بزرگی در ایران انجامید که هویتی کاملاً شیعی داشتند. ولی عهدی امام رضا و تسامح اولیه مأمون درباره علویان عامل دیگر درباره ورود علویان به طبرستان، به زمان مأمون برمی گردد. او پس از آنکه بر امین پیروز شد تلاش کرد تا پایگاهی در جامعه به دست آورد. چون عناصر و خاندان عباسی بر امین تکیه می کردند. برای ایجاد این پایگاه، می توانست حمایت مردم را که علاقه به علویان داشتند، جذب کند و از آن به عنوان ابزاری برای سرکوب قیام هایی بسازد که به نام علویان صورت می گرفت. افزون بر آن مأمون می دانست که علویان در زمان پدرش در دسرهای زیادی برای او ایجاد کردند. از این رو، برای جلوگیری از ناراضی‌ت‌ی آن‌ها سیاست جدیدی در پیش گرفت و موضوع ولی عهدی امام رضا علیه السلام و هواداری از علویان را در پیش گرفت. با انتخاب امام رضا علیه السلام به ولی عهدی و آمدن ایشان به ایران، گروه های فراوانی از سادات راهی ایران شدند. تسامح مأمون در برابر علویان در مقایسه با سخت گیری پدر و اجدادش در رفت و آمد سادات به ایران تأثیر بسزایی داشت. مولانا اولیاء الله آملی می نویسد: چون خبر ولی عهدی امام رضا علیه السلام در جهان فاش شد، سادات علوی از اطراف شام و حجاز و عراق و یمن و مدینه و هر جا که بودند، روی به خراسان نهادند تا به امام رضا بپیوندند. (اولیاء الله، ۶۱)

سیدظهیرالدین مرعشی و اولیاءالله آملی یادآور شده‌اند وقتی مأمون، امام رضا علیه‌السلام را به شهادت رساند، سادات به ناچار برای رهایی از این مهلکه به کوهستان‌های دیلم و طبرستان پناه بردند. (مرعشی، ۱۲۷) بعضی از آن‌ها در این منطقه شهید شدند و مزارشان باقی است و زیارتگاه مردمان شد و برخی نیز در آنجا ماندند (آملی، ۴۱) در نتیجه آزار و تعقیب علویان و مظلومیت آن‌ها و قیام و شهادت آن‌ها به دست عاملان خلفای عباسی، گرایش مردم به علویان افزایش یافت و سرانجام در ورود سادات به منطقه طبرستان تأثیر داشت. حضور امام رضا در خراسان به عوامل مختلف از جمله ضرورت‌های سیاسی خاص عصر مأمون برمی‌گشت. در این میان مقوله واگذاری و لبعهدی به ایشان یکی از وقایع خلافت عباسی و نیز نقطه عطفی در تاریخ گسترش تشیع از جمله در خراسان به حساب می‌آید. تأثیر رفتار امام در دوران دوساله ارتباط با خراسانیان به جلب و گرایش بسیاری از آنان به سوی علویان منجر شد. منابع از نخستین همراهی خراسانیان با علویان در قیام حارث بن سریج در سال ۱۱۵ ه.ق یاد می‌کنند. وی مردم خراسان را به حکومت خدا و سنت پیامبرص فراخواند و نیز مراعات حال ذمیان و مردم را وعده داد قیام حارث زمینه را برای پیشرفت جنبش ابومسلم فراهم کرد. (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۳۰۲۲/۷) یکی از عوامل دعوت بنی عباس و شعار الرضا من آل محمد و سپس پیشرفت کار ابومسلم در خراسان، ناشی از همین علاقه مندی مردم به خاندان پیامبر بود. انتخاب این شعار چندپهلوی تأثیر مهمی در ایجاد وحدت میان علویان و طرفداران نهضت جدید عباسی گذاشت. قیام یحیی بن زید در خراسان و حضور او در این سرزمین تأثیر بیشتری در توجه مردم خراسان به خاندان پیامبر گذاشت. طبری می‌نویسد "مردی از بنی اسد به یحیی گفت: پدرت کشته شد، مردم خراسان شیعیان شمایند، رأی درست آن است که آنجا روی." (طبری، ۱۳۶۹: ۱۰/۴۲۸۹) قیام یحیی در خراسان شیفتگی مردم را به علویان بیشتر کرد. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۰/۲۹۹) با کشته شدن یحیی، مردم خراسان فرزندان پسر خود را یک سال یحیی و زید نامیدند. (مسعودی، ۱۳۷۰: ۲/۲۱۶) اهالی خراسان از زنجیر پای یحیی انگشتر ساختند و به آن تبر ابومسلم که علاقه مندی مردم را نسبت به خاندان پیامبر با شعار خونخواهی یحیی و طرفداری بیشتر از علویان دست به قیام زد (اصفهانی، ۱۳۴۹: ۱۵۸) حرکت دیگر قیام شریک بن شیخ المهری در بخارا هم زمان با پیروزی نهضت عباسیان در توجه خاص به خاندان پیامبر بود. وی از جمله کسانی بود که درک بهتری از علویان و خاندان پیامبر داشت. او به خوبی دریافته بود آنچه را که ابومسلم از شعار الرضا من آل محمد سر داده است جز بهره‌گیری از تمایلات شیعی مردم خراسان نمی‌تواند به حساب آید. وی در جمع یاران خود اظهار کرد: «ما از رنج مروانیان اکنون خلاصی یافتیم، فرزندان پیغمبر باید که خلیفه پیامبر بود.» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۸۶) آل عباس واکنش نشان داد که منظور از آل محمد بیشتر علویان بوده است. بنابراین اعتقاد و باور کلی مردم خراسان نسبت به

علویان می توانسته از جمله عوامل انتخاب علی بن موسی به ولایتعهدی از سوی مأمون به شمار رود. مأمون در سال ۱۹۳ هجری در مرو مستقر بود. ارتباط نزدیک وی با اهل خراسان بی شک در گرایش و توجه وی به علویان تأثیر داشته است. (سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۲۵) درک واقعی مأمون از نفوذ و قدرت علویان در خراسان شاید خود از جمله عوامل گرایش وی به علویان بوده است. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۲۹۳ و ابن اثیر، ۱۳۵۱: الکامل، ۷/۲۶۴). ضرورت گرایش طاهریان به تشیع اوضاع و شرایط بحرانی خلافت عباسیان مأمون در مرو، آشفتگی های خلافت اسلامی در غرب را بیشتر کرده بود. خروج ابن طباطبا و حمایت ابوالسرایا از او، کوفه و شهرهای اطراف آن را دچار آشوب کرد. دامنه این مخالفت ها شدت گرفت. در شهرهای بصره و اهواز آن چنان بالا گرفت که سایر علویان نیز چون زید بن موسی بن جعفر، در یمن ابراهیم بن موسی بن جعفر، در فارس اسماعیل بن موسی بن جعفر، در مکه حسن افضس و در مداین محمد بن سلیمان به قدرت رسیدند. (همان، ۴۶۲، و ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۱۰/۲۴۴ و مسعودی، ۱۳۴۰: ۴۴۴) به دنبال این قیام ها، شهرهای دیگر نیز دستخوش آشوب شد. چنان که حجاز به دست محمد بن جعفر افتاد و احمد بن عمر بن خطاب ربی بر نصیبین و توابع آن چیره شد. در موصل سید بن انس، در میافارقین موسی بن مبارک یشکری و در عراق عجم^۱ ابودلف عجلی به قدرت رسیده بودند. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۴۶۲ و ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۰۵) در چنین شرایطی بود که مأمون به ناچار حفظ حکومت خود را تنها در حمایت از علویان می دید. از این رو برخلاف میل عباسیان، ناگهان تغییر روش داده و به شدت متمایل به علویان شد. نزدیکی وی به امام رضا (ع) (یگانه روزن^۵ امیدوی بود که مأمون را از این گرفتاری ها رهایی می بخشید. (میرخواند، ۱۳۷۰: ۲ و حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۴۸۵) پیامدهای پذیرش ولیعهدی از جانب امام در رخدادهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی خراسان تأثیر به سزا گذاشت. از مهم ترین تأثیرات آن در فضای اجتماعی خراسان گرایش به تشیع بوده است. دل بستگی بیشتر مردم و از جمله طاهریان به خاندان پیامبر و تشیع با توجه به اقدام مأمون در پیشنهاد ولایتعهدی و اصرار بسیار وی که امام بنا بر دلایلی ولیعهدی را پذیرفتند (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۲/۱۶۷) انتخاب و قبول این پیشنهاد از جانب امام به طور یقین با درایت و آگاهی الزم صورت گرفت. بنابراین پذیرش این امر گویای این واقعیت و نیز ارتقای جایگاه اوست که در نظر و دیدگاه امام شرایط پیش آمده برای معرفی تشیع واقع شود. امام خود را در این کار ناچار می دید. (عطاردی، ۱۴۰۶: ۶۴) الزامی که نتایج و پیامدهای آن منافی نیز برای تشیع داشته است. به همین دلیل بررسی عوامل پذیرش این امر از سوی امام گویای برخی ضرورت هاست. پذیرفتن ولایتعهدی از جانب امام علاوه بر اعتراف زبانی عباسیان به معنی اقرار عملی آنان به

این حقیقت بود که علویان در امر خلافت صاحب حق و بلکه سزاوارتر هستند . (عطاردی، ۱۴۰۶: ۶۴) هدف امام از پذیرش ولایتعهدی "برای آنکه مردم از خلافت مأمون مایوس نشوند و دشمن نیز اقرار کند که برای ما نیز در زمامداری بهره ای است". (مدرسی، ۱۳۶۷: ۲۶۴) اما بهره برداری اصلی از این ماجرا بسی مهمتر است، امام با قبول ولایتعهدی شرایطی را برقرار کرد که در تاریخ زندگی ائمه از سال چهلیم هجری پس از شهادت امام علی (ع) تا آن روز و به لحاظ عملکرد و نقش سیاسی بی نظیر بوده است . امام با توجه به این فرصت مغتنم، داعیه امامت شیعی را در تمام سرزمین های اسلامی مطرح و حقانیت ائمه را در حکومت با توجه به فرمان مأمون در ارسال منشور کردند و بحث تشیع ولایتعهدی در اقصی نقاط امپراتوری بزرگ اسلامی پخش و مطرح شد. امام خود واقف بود که از پذیرش ولایتعهدی مردمان تمام خلافت اسلامی از مصر تا خراسان مطلع خواهند شد. خلافت علویان به نظر امام آن را وسیله ای برای ابلاغ حقایق اسلامی به ویژه حقانی امت اسلامی قرار داد . (مدرسی، ۱۳۶۷: ۲۶۴) شاید مسئله مهمتر و فرصت مغتنم تر برای امام آن بود که در جریان شرایط پیش آمده تریبون عظیم خلافت در اختیار امام قرار گرفت. این فرصتی بود تا سخنانی را که ائمه در طول صدوپنجاه سال در خفا و با تقیه نزدیک بیان کرده بودند اکنون با صدای بلند و با استفاده از امکانات معمولی آن زمان که جز در اختیار خلفا و نظام دیوانسالاری آنها نبود اکنون در شرایط ولایتعهدی و با آزادی عمل بیشتر آن را به گوش همه مسلمانان به ویژه در خراسان برسانند. محدثان و متذکران شیعه معارفی را که تا آن روز جز در خلوت نمی شد به زبان آورد در جلسات درسی بزرگ و مجامع عمومی به زبان راندند . (خامنه ای، ۱۳۶۵: ۴۲) مردمی که به خاطر ترس یا تبلیغات سوء یا ناآگاهی چندان رغبتی به شنیدن دعای سیاسی و اعتقادی علویان نداشتند اکنون از فرصت فراهم شده ولایتعهدی و الزام و اجبار حکومتی شرایط بهتری برای درک فقه شیعی پیدا کردند. جایگاه جدید علویان فضای فکری و اجتماعی الزام برای پخش اندیشه های شیعی و برتری استدلال های شیعه و جایگاه خاندان در چنین فضایی حقانیت ما را فراهم آورد. امامت در اتصال به نبوت بیشتر برای مردم محترم و ارزشمند می گشت. از این نظر این امر دلبستگی مردمان نواحی را می بایست یکی از بارزترین دلایل تقویت و گسترش تشیع از سرزمین مختلف جهان اسلام به ویژه شهرهای خراسان به اندیشه های شیعی دانست . منابع از استقبال باشکوه مردم نیشابور از امام رضا(ع) نقل می کنند بیانگر این علاقه مندی است. فارغ از این پیشینه علاقه مندی به تشیع به ویژه امام رضا(ع) در توسعه فرهنگ شیعی در خراسان و افزایش اطلاعات مردم در این خصوص اشاره کرد. مناظرات مختلف و نقش محوری امام در این مناظرات سبب شناخت بیشتر مردم مرو با علم و درایت امام شد . (طبرسی، ۱۳۸۸: ۵۸۷) مردم بنابر علاقه خویش و با توجه به نسب والا و کرامات ایشان شیفته حضرت شده بودند. علما و

دانشمندان نیز با وسعت دید و تفکر امام شیفته پرسش و یافتن پاسخ های خود بودند. این روند در مدت اقامت امام رضا (ع) در مرو به گونه ای بود که مردم مرو دیگر به مأمون که پیش از ورود امام برجسته ترین شخصیت علمی مرو مطرح شده بود، چندان توجهی نکنند. سیره امام به عنوان فرزند رسول خدا و نحوه مواجه ایشان با مردم مرو که حتی به عنوان ولیعهد بدون تکلف با علاقه مندان خود مرآوده داشتند سبب جلب توجه بیشتر مردمان مرو به ایشان و فرهنگ شیعه شده بود. در اذهان مردم برخی دیگر از کرامات امام مانند تلاش های امام برای ارائه تصویر واقعی تشیع بوده است. دعای باران و... در جلب توجه و گرایش بیشتر مردم بسیار مؤثر بود. چنانکه برخی از پادشاهان سامانی در یک سده بعد وصی بودند حدیث سلسله الذهب را با آب طلا بنویسند و هنگام مرگ همراه آنها دفن کنند. (قرشی شریف، ۱۳۸۲: ۴۴۹/۲) حیثیت بالای علمی امام رضا علیه السلام را باید مهم ترین عامل گسترش شیعه در ایران به حساب آورد زیرا عصر امام رضا علیه السلام عصر شکوفایی مجدد علوم اسلامی و ورود افکار بیگانه در جامعه اسلامی و شکل گیری مکاتب فکری گوناگون بود. در دوره مأمون، ترجمه کتب به اوج خود رسید. او کتابخانه ای مخصوص را مرکز این کار قرار داد که به «بیت الحکمه» معروف شد و بسیاری از دانشمندان و مترجمان در آنجا مشغول تحقیق بودند. در پی ترجمه متون خارجی که در بیت الحکمه و جندی شاپور انجام شده بود، اصطکاک فرهنگی جهان اسلام و غرب ایجاد شد. تبلیغات فرق و مذاهب مختلف نیز شرایط ویژه ای از لحاظ علمی و فرهنگی به وجود آورد؛ به عنوان مثال عقل گرایی محض که از کتب عقلی یونانی و سریانی و غیر آنها به وجود آمده بود، افراد بسیاری را به مذهب اعتزال سوق داد، به گونه ای که گمان کردند تنها عقل است که سرچشمه معرفت است و تدریجاً خود را بی نیاز از وحی دانستند. امام رضا علیه السلام با حرکت علمی همراه با عقلانیت و استفاده از فرصت ها در مباحث و دانش سرشار خود و با احاطه علمی بر مبانی ادیان و مذاهب دیگر، تحول عظیمی در تاریخ اسلام ایجاد کرد. عمده ترین مؤلفه و پیش زمینه حرکت امام در راستای نهضت علمی مسلمین، آموزه های دینی مربوط به کتاب و سنت بوده است. (حسین، ۱۳۶۵: ۹۵) امام رضا علیه السلام جریانی ایجاد کردند که در ادامه توسعه عدالت خواهی و ظلم ستیزی به دنیا است و این خودش برکت و هجرت امام رضا بهترین بسترساز برای ظهور حضرت حجت بوده است. چنانچه می بینیم قنوت نماز جمعه امام رضا دعا برای ظهور حضرت مهدی است. امام رضا (ع) با تدبیر قنوت نماز را دعا برای فرج قرار داده اند. «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَقَّهُ بِمَلَأْنِيكَ وَ آيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدِلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيَّكَ سُلْطَانًا وَ أَدْنُ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» یا داریم که یونس بن

عبدالرحمن می گوید که امام رضا(ع) پیوسته به ما می فرمودند که برای فرج دعا کنید. امام در مسیر تربیت شاگردان و ارتباطاتشان مکتب انتظار را تبیین، تبلیغ و جریان سازی می کردند. امام علیه السلام در مروه‌ها گذشت و او هم چنان از موضع منفی با مأمون سخن می‌گفت. او نه پیشنهاد خلافت و نه پیشنهاد ولایت عهدی هیچ کدام را نمی‌پذیرفت تا این که مأمون با تهدیدهای پی در پی قصد جان حضرت را کرد. امام با موضع خود، زمینه را طوری آماده کرد تا مأمون را رویاروی حقیقت قرار دهد. امام فرمود: «می‌خواهم کاری کنم که مردم نگویند علی بن موسی به دنیا چسبیده بلکه این دنیاست که از پی او روان شده است». حضرت با این شگرد، به مأمون فهماند که نیرنگش موفقیت آمیز نبوده و در آینده نیز همین گونه خواهد بود.

توجه به مسائل فکری و عقیدتی، همواره مورد توجه ویژه اهل بیت علیه‌السلام قرار گرفته و دوری از حکومت، هیچ گاه به منزله کناره‌گیری از صحنه اجتماع و رها کردن مردم در ابهامات فکری و عقیدتی نبوده است. ایشان از راه‌های مختلف برای معرفی عقاید حقه شیعه استفاده جستند و جریان شیعه را اگر چه آرام و غیرگسترده اما عمیق و پرمحتوا حفظ کردند. ورود امام رضا به ایران، مفهوم امامت را برای ما عینیت بخشید و درک آن را تسهیل کرد. حضور امام رضا در ایران سبب تقویت باورهای تاریخی شیعه شد و بر هویت ما ایرانیان تأثیر نهاد. امام علیه‌السلام از هر شهری که عبور می‌کرد، بنای یک شهر شیعی را هر چند برای سال‌ها و قرن‌های بعد، پایه‌ریزی می‌کرد به طوری که بسیاری از تحلیل‌گران تاریخی معتقدند این سفر، ایران را متحول کرد و باعث شد این سرزمین بعدها به عنوان هسته مرکزی جهان تشیع به جهانیان معرفی شود. وقتی حضرت به ایران تشریف آوردند، تشیع را با خود جا به جا کردند و شیعه دارای کانون جغرافیایی شد. بنابراین هجرت امام به ایران در تشکیل جامعه شیعی قدرتمند با مرکزیت ایران، مؤثر بود. مطالعه عملکرد حضرت رضا در ایران نیز بخوبی نمایانگر اهتمام جدی ایشان به مسائل فکری و عقیدتی مردم است. حضرت در سه سال حضور در خراسان، در نامه‌ها و بیانات و مجالس و برخوردهای‌شان با مردم، هدفی را تعقیب می‌کردند و آن تقویت جریان شیعه اعتقادی بود. ایشان در هر فرصتی به ذکر احادیثی که دلیلی روشن بر برتری حضرت علی بر سایر مردم داشت، می‌پرداختند. مأمون، تمام تلاش خود را برای قطع ارتباط عاطفی و معنوی امام با مردم و شیعیان به کار برد ولی امام در هر فرصتی با پایگاه‌های مردمی خویش تماس می‌گرفت و با گفتار و کردار و معجزات و کرامات، حقانیت و امامت خویش را به اثبات می‌رسانید و رهبری و اطاعت از خویش را تداوم رسالت پیامبر اسلام و شرط توحید می‌دانست. ایشان بدین ترتیب مشروعیت خلافت را از امثال مأمون سلب و تشیع ناشی از دوستی اهل بیت را به تشیع اعتقادی تبدیل کرد. حضرت غالباً روایات خود را با حفظ سلسله سند از امامان قبل خود تا امام علی علیه‌السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌فرمود و با این

روش، تشیع اعتقادی را تایید و از تشیع سیاسی (مانند زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه و...) هیچ گاه حمایت نمی کرد. دیدار مردم نیشابور با امام رضا و شنیدن حدیث ناب «سلسله‌الذهب»، مسلماً تأثیر شگرفی بر گسترش و تعمیق تشیع در جان ایرانیان داشت. امام در این حدیث، اساسی‌ترین پایه ایمان به یگانگی خداوند متعال را پذیرش امامت خود - که به معنای پذیرش امامت سایر امامان علیهم‌السلام نیز هست - قرار داد. شیعیان به دلیل دوری از ائمه و محدودیت‌هایی که عباسیان برای آنان فراهم کرده بودند، از نظر اعتقادی دچار مشکلات و شبهاتی شده بودند و از امام علیه‌السلام در این رابطه پرسش‌ها می کردند. امام رضا م طی اقامت خود در مرو، به روشنی موضع شیعه را در برابر شبهات بیان می کرد و با تعابیر گوناگون و استفاده از سخنان امیر مؤمنان پرسش‌ها را در حد توان فکری پرسش کننده پاسخ می داد که از بزرگ‌ترین تأثیرات امام علیه‌السلام در نگرش فکری و اعتقادی جامعه اسلامی بود. روشی که امام رضا برای حفظ اندیشه شیعه به کار گرفت و با اندیشه‌های انحرافی مبارزه کرد، هم مقابله بود و هم مطرح کردن اندیشه امامت و هم خاموش کردن آتش فتنه‌هایی که برای امامت و اندیشه تشیع مهیا شده بود. چنین روش جامع و مانعی در طول تاریخ نظیر ندارد. دوران امام رضا را آخرین مکتب عقیدتی تشیع نامید چرا که مکتب تشیع از زمان پیامبر آغاز و پس از آن، دوره امیرالمؤمنین بود. اوج تجلی و ظهور این مکتب در زمان امام صادق بود که مکتب جعفری شکل گرفت اما با توجه به فترتی که رخ داد و اختلافاتی که پدید آمد، مکتب رضوی به عنوان آخرین مکتب تشیع پدیدار شد که در آن، همه مسائل متعلق به ولایت و خلافت حل شد و آن حضرت درباره توحید و نبوت و امامت و سایر مسائل اعتقادی، چیزی را فروگذار نکرد. یکی از مهم‌ترین عوامل معرفی شیعه، شرکت امام رضا در جلسات مناظره‌ای بود که از ناحیه مأمون تشکیل می شد. شمار مناظرات امام با اهل کتاب و نمایندگان مسیحیان، یهودیان، مانویان، زرتشتیان، صابئین و فرق اسلامی، فراوان است. مباحث این گفت‌وگوهای علمی که به آرامی و در جو صمیمی برگزار می شد، درباره آفرینش جهان، توحید، صفات خداوند، انبیای الهی، عصمت آنان، جبر و اختیار، امامت، تفسیر آیات گوناگون قرآن، فضایل اهل بیت، احادیث، دعا و احکام دین بود. مأمون برای محکوم کردن امام در جلسه‌های مناظره با بزرگان ادیان دیگر و دانشمندان بلاد مختلف، به تشکیل چنین جلسه‌هایی دست زده بود با این حال امام از همه آنها سربلند بیرون آمد. امام با استدلالات خود، تمام شبهات مطرح شده را پاسخ می داد. چنین پاسخی پس از انعکاس در جامعه آن روز، موجبات استحکام و تقویت اعتقادات شیعی مردم را به وجود می آورد. پس از استقبال مردم از این جلسه‌ها، مأمون دستور داد مردم را از در خانه امام دور کنند تا مبادا شیعه واقعی به مردم معرفی شود. مجموعه نامه‌هایی که امام برای توضیح مبانی تشیع به افراد گوناگون می نوشت، در گسترش فکر شیعی و استحکام پایه‌های اعتقادی آن در ایران بسیار اثر داشت. از جمله

معروف‌ترین نامه‌های حضرت که در مقدمه آن بسیاری از مباحث اعتقادی شیعه مطرح شده است، نامه جامع‌الشریعه است که توسط امام به فضل بن سهل، وزیر مأمون املا و برای مأمون ارسال شد.

بازتاب مهاجرت سادات به ایران

مهاجرت سادات به ایران سبب ایجاد روحیه علوی دوستی و تحکیم و ترویج تشیع در ایران شد و فرهنگ علوی و شیعی در ایران تجلی پیدا نمود. ظهور تشیع در ایران، خصوصاً تشکیل حکومت‌های شیعی در ایران، مدیون مهاجرت سادات به ایران است. تأثیر شخصیت علمی، معنوی و شیوه‌های اخلاقی و رفتاری امام رضا. مهاجرت فرزندان ائمه بویژه حضرت معصومه به ایران فطرت دینی و روح عدالت‌خواهی ایرانی‌ها، بنای مساجد و مدارس علمی و تشکیل کلاس‌های درس برای آموزش علوم اسلامی و فرهنگ شیعی توسط امام علیه‌السلام و یاران‌شان حضور فقها، راویان، عالمان و وکلای امام علیه‌السلام در ایران پیدایش نهضت‌ها و جنبش‌های شیعی در ایران تشکیل حکومت‌های شیعی تبعیض و بی‌عدالتی‌های حکومت‌های ساسانی، اموی و عباسی خراج‌های سنگین تحمیل شده بر مردم حضور نزدیک به سه ساله امام رضا علیه‌السلام در خراسان و بعدها مقبره آن حضرت در ایران، موجب استحکام و گسترش تشیع در ایران شد. مهاجرت علویان به ایران از لحاظ سیاسی اجتماعی و حتی انجام کارهای عمرانی و اتحاد مردم منطقه، تأثیر مهمی داشت. زیرا با حضور در میان مردم و حسن معاشرت در رفتار و جلب نظر و افکار عمومی و خلق و خوی علوی، در فاصله زمانی کمی، از پایگاه مادی و معنوی در میان مردم برخوردار می‌شدند و با کسب اعتماد و اطمینان مردم، به تدریج رهبری مردم را در مناطق به دست می‌گرفتند و با شرکت در مسائل سیاسی اجتماعی و بهره‌برداری از نفوذ خود در ایجاد تحولات منطقه‌ای، نقش مؤثری پیدا می‌کردند. هنگامی که یحیی بن عبدالله، از همراهان حسین بن علی پس از شکست قیام و کشته شدن یارانش به ایران مهاجرت کرد. پس از توقف در دیلم و معاشرت با مردم، «مردم معتقد شدند که وی استحقاق پیشوایی دارد. سپس با او بیعت کردند و گروهی از مردم شهرها گرد وی جمع شدند و رفته رفته کارش بالا گرفت.» (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۶۵) هجرت علویان به شهرهای ری، کاشان، قم، گرگان و طبرستان، نشانگر حضور تأثیرگذار آن‌ها بوده است چون در مسائل سیاسی، اجتماعی یا عمرانی به صورت فعال وارد صحنه می‌شدند. از جمله ورود اشعری‌ها در سال ۹۴ ه. ق به قم و تلاش در عمران و آبادانی این شهر تا زمان حضور حضرت معصومه گویای تأثیر مثبت آن‌هاست. سادات سهم زیادی در وارد کردن فرهنگ شیعی علوی داشته‌اند. این هجرت‌ها سبب رواج افکار ناب اسلامی داشت که مهمترین آن‌ها، تبدیل پایگاه تفکر تشیع سیاسی به تفکر عقیدتی شیعه و گسترش مراکز علمی

و فرهنگی و حوزه های زیر ساختی اسلامی گردید که در نتیجه آن افراد فرهیخته در ابعاد مختلف علمی به ظهور رسیدند. شهر قم به مرکز فرهنگی مهم تشیع تبدیل و مدارس و حوزه علمیه در این شهر به وجود آمد. از مدارس وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) می توان به مدرسه فیضیه آستانه مقدسه، مدرسه مهدی قلی خان، مدرسه جناب حاجی ملا صادق، مدرسه ناصریه، مدرسه مشهور به لکهاو مدرسه محمد مومن خان اشاره کرد. وجود آرامگاه حضرت معصومه (س) در قم سبب گسترش تشیع و فرهنگ اسلامی در این شهر شد و به مرور زمان قم به مرکز حفظ حدیث اهل بیت تبدیل گشت. (جعفریان، ۱۳۸۰: ۲۳۳/۱) و مدرسی طباطبایی، ۱۱۵: ۱۳۶۴-۱۱۶). مهاجرت سادات به ایران گسترش تشیع در ایران و دعوت به رفتار و عمل بود. همچنین قیام هایی صورت گرفت که سبب بیداری مردم و تشکیل حکومت های شیعی از جمله آل بویه شد. در دراز مدت شیعه تبدیل به یک مرکز ثقل اصلی و در ابعاد فکری و فرهنگی، قدرت شیعه با تربیت شاگردان و تشکیل محافل علمی افزایش یافت.

نتیجه گیری

امام با وجود این که در رأس قدرت قرار داشت اما متوسل به روش‌های نامشروع چون دروغ، مکر و فریب نشده و هرگز تحت تأثیر وسوسه‌های قدرت، ثروت و شهوت قرار نگرفتند بلکه با بی‌اعتنایی به تمام این مضامین و مسائل پیش می‌رفتند. کاملاً سیاست ورزی امام متکی به رفتارها و مبانی اخلاقی ناب و زلال بود حضور خاندان اهل بیت در ایران باعث شده که ایران در جهان اسلام به پایگاه محبان خاندان و اهل بیت پیامبر تبدیل شود و این موضوع زمینه آزادی عمل نسبی را برای علویان و به ویژه سادات فراهم کرد. از لحاظ اجتماعی حضور امام رضا منجر به تمرکز شیعه از مدینه به ایران به ویژه خراسان گردید. تا جایی که بسیاری از شهرهای خراسان قدیم، به مراکز علمی مهم تشیع تبدیل شد از سوی دیگر فرزندان اهل بیت با محور قرار دادن شخصیت امام رضا به ایران مهاجرت کردند که مهم‌ترین ایشان سفر حضرت معصومه و شاهچراغ به ایران است این مسئله پیامدهای دیگری را نیز از نظر سیاسی به دنبال داشت که بسیاری از قیام‌های علویان در ایران شکل گرفت. با حضور امام رضا در ایران این منطقه کانون توجه بسیاری از افراد قرار گرفته و باعث تمرکز جمعیت در این منطقه شد که خود به خود به رونق بازارها کمک شایانی کرد. از سوی دیگر بسیاری از عاشقان خاندان پیامبر با وقف اموال خود باعث تاسیس فضاهای زیارتی و عبادی و در نتیجه زمینه ساز آبادی و آبادانی شدند. از جمله تأثیرات فرهنگی حضور امام رضا می‌توان بر ساخت بناهایی الهام گرفته از اسلام ناب مانند بنای مساجد، حوزه‌های علمیه و محوریت فرهنگ تشیع که رابطه مستقیم با حضور امام و حرم مطهر ایشان دارد این مسئله حتی در ابنیه تاریخی به جا مانده از مسیر امام رضا به وضوح قابل مشاهده است که حاکی از وجود علاقه مردم این سرزمین به خاندان پیامبر ص است و همین موضوع کمک شایانی به گسترش تشیع در ایران نموده است. امام رضا علیه‌السلام با رعایت اخلاق اسلامی و برخورد انسان با افراد، مرزهای فرهنگی و اجتماعی مردم ایران را شکسته و با افراد در قوم و قبایل متفاوت، ارتباط مطلوب و کامل برقرار کردند. گذشته از تاسیس حوزه علمیه در مسجد جامع مرو و حوزه و محل تجمع شیعیان در منزل امام و تربیت شاگردان و تالیفات امام، وجود آرامگاه و مرقد ایشان در شرقی‌ترین نقطه ایران نقش بارز و انکارناپذیری در گسترش تمدن اسلامی در سرزمین خراسان و توسعه علمی ایران داشت. آرامگاه امام رضا و خواهر و برادران ایشان علاوه بر این که مکانی برای زیارت بود، کانونی برای گسترش تشیع و فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌رفت و راه را برای توسعه علم و دانش در ایران باز می‌کرد. مناظرات امام رضا (ع) با سران فرق و ادیان راه شکوفایی علم را در خراسان هموار کرد و تمدن اسلامی با تمدن و فرهنگ کهن ایران آمیخته و با بهره‌گیری از کتب و آموزه‌های امام رضا (ع) و شاگردان آن حضرت فرهنگ و تمدن اسلامی شکوفان گردید. حرکت علمی گسترده در خراسان شروع شد فرهنگ و تمدن جدیدی که معرف زمان خود بود به وجود آمد. حضور امام رضا (ع) در خراسان و ایجاد کرسی‌های علمی، تربیت

شاگردان ایرانی و مناظرات در رشد علمی ایران اثر عظیمی داشت. در کنار ایجاد شهر مشهد در جوار مرقد ایشان و تاسیسات و موقوفات وابسته به آستان مقدس در رشد فرهنگ و تمدن ایران به خصوص خراسان موثر بود. دانشگاه های بزرگ و مراکز علمی فرهنگی در شهر مقدس دایر گردید که که شکل گیری و گسترش آنها به برکت وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) می باشد. حضور امام رضا در ایران و مخصوصا در شهرهای خراسان را باید نقطه عطف مهم در گسترش تشیع در ایران محسوب داشت. این مسئله حتی در ابنیه تاریخی به جا مانده از مسیر امام رضا به وضوح قابل مشاهده است که حاکی از با توجه به شخصیت همه جانبه و والای امام رضا بانیان خیر علاقمند به سنت حسنه خیررسانی بوده و قسمتی از مایملک و دارایی خود را وقف آستان مقدس رضوی می نمودند. و حتی در کنار بارگاه ملکوتی امام دارالشفاء برای معالجه بیماران احداث گردید. چرا که دوران حیات امام رضا (ع) را باید دوران اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت و گسترش پایگاه های مردمی این خاندان دانست و خیل کثیری از داعیان و بزرگان شیعیان امامیه را به ایران کشاند. این داعیان که عمدتا از سادات بودند در بیشتر مناطق ایران حضوری موثر داشتند و حتی پس از مرگشان، مدفن آنها به زیارتگاه مردم بومی تبدیل شد. زیارتگاه های امامزادگان به مرور مرکزی برای انجام شعائر مذهبی و آموزش های مکتبی شیعیان شد. این مسائل تحول بزرگی در هویت شیعیان ایرانی و روند پویایی و رشد آنان ایجاد کرد، چرا که حرکت های شیعیان ایرانی تشنه عدالت بود و با ورود امام رضا به ایران و نهادینه شدن مبانی و اصول مکتب اثنی عشریه در ایران، فعالیت های شیعیان ایران از قیام های خام و بی نتیجه به حرکت های بزرگ و با برنامه تبدیل شد به گونه ای که در آینده، این جنبش های موفق به ظهور دولت های منطقه ای بزرگی در ایران انجامید که هویتی کاملا شیعی داشتند. در دوره عباسیان بیان مسائل کلامی و عقلی و فلسفی پر رونق و گرایش عمومی در جامعه به عقلگرایی بیشتر بود. معتزله در این بستر اجتماعی شکل گرفت و مورد حمایت خلیفه عباسی واقع شد، این گرایشات جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می داد تا مردم نیز به این علم گرایش داشته باشند. امام رضا در این دوره شیعه را از جهات تعقل تقویت می کرد. به رغم همه محدودیت هایی که مأمون برای جلوگیری از فعالیت امام رضا و ارتباط شیعیان با امام به وجود آورده بود، بارزترین موضوع در سیره امام رضا از مدینه تا مرو، تلاش حضرت برای معرفی جایگاه معصومین در این فرصت است. امام رضا از لحظه حرکت از مدینه تا مرو، از روش های گوناگون برای شناساندن شیعه بهره برد. امام در طول مسیر، احادیث را از طریق پدراناش به حضرت علی و پیامبر سلام الله علیهما می رساند. این بهترین روش برای معرفی مکتب تشیع و خنثی کننده توطئه هایی بود که شیعه را خارج از دین می شمرد. تشیع ایرانیان، امری از روی اجبار نبوده است، بلکه ایرانیان، اسلام و تشیع را با روح خود سازگار دیدند و فطرت عدالت خواهانه آنان، علی علیه السلام و فرزندش امام رضا علیه السلام را مظهر عدالت و صدق و راستی یافتند. از این رو دعوت ایشان را لیبیک گفتند.

فهرست منابع

۱. آملی، اولیا الله (۱۳۴۸): تاریخ رویان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
۲. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۳۵۰): تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۳. ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله بن، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، جلد چهارم، قم، اسماعیلیان.
۴. اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن بن (۱۳۶۶): تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، جلد دوم، تهران، انتشارات اقبال
۵. بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن (۱۳۸۸): التوحید، ترجمه علی اکبر میرزایی، تهران، نشر علویون
۶. جعفریان، رسول (۱۳۹۱): تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، تهران، نشر علم، چ پنجم
۷. حسینی، کمونه (۱۳۷۱): آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر(ص) و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس
۸. صالحی (۱۳۸۴): سیره امام رضا، قم، دارالهدی
۹. سلطان الواعظین شیرازی (۱۳۸۵): شب‌های پیشاور، ج اول، قم، انتشارات دلیل ما
۱۰. شریف قرشی، باقر (۱۳۶۸): تحلیلی از زندگانی امام کاظم(ع)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس،
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (بی تا): عیون اخبار الرضا، ترجمه محمد تقی اصفهانی، تهران، علمیه اسلامی، ج اول
۱۲. شیرازی، فرصت الدوله (۱۳۷۷): آثار العجم یا تاریخ شیرازی، تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر
۱۳. شیرازی، سلطان الواعظین (۱۳۸۵): شب‌های پیشاور، ج اول، قم، انتشارات دلیل ما
۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷): تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ج هشتم
۱۵. عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴ق): وسائل الشیعه، قم، آل البیت
۱۶. عرفان منش، جلیل (بی تا): چلچراغ شیراز، تحلیلی از قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا(ع)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
۱۷. عرفان منش، جلیل (۱۳۷۷): قیام و زندگانی احمد بن موسی، دانشنامه فارس، بنیادهای بین‌شناسی، شیراز

۱۸. عرفان منش ، جلیل (۱۳۹۱): مهاجران موسوی، تهران، امیر کبیر
۱۹. عرفان منش ، جلیل (۱۳۷۴): جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا(ع) از مدینه تا مرو
۲۰. عطاردی قوچانی عزیزالله (۱۳۸۷)، مسند الامام الرضا، مشهد، ج نهم،
۲۱. قربانی، ابوالقاسم (۱۳۷۵): زندگی نامه ریاضی دانان دوره اسلامی از سده سوم تا سده یازدهم هجری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم،
۲۲. مجلسی، علامه محمد باقر (۱۳۷۹): بحار الانوار، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیه، چ چهارم، ج چهل ونهم
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق): بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا
۲۴. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۷۵): مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، بی جا، ج دوم
۲۵. مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۶۸): تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسییحی، تهران
۲۶. مسعودی ، علی بن حسین (۱۳۶۵): مروج الذهب ومعادن الجوهر ، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب
۲۷. مسعودی، ابوالحسن (۱۳۷۰): مروج الذهب، ترجمه ابوالفضل پاینده ، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چ چهارم،
۲۸. میرخواند، میرمحمد بن سیدبرهان الدین (۱۳۷۰): روضه الصفا، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، نشر خیام
۲۹. نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳): تاریخ بخارا، مصحح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، توس
۳۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی (۱۳۸۵): تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، نشر نگاه ترجمه و کتاب، ج دوم
۳۱. همایون، محمدهادی (۱۳۹۲): کارکرد تمدن سازانه هجرت امام رضا به ایران، فصلنامه فرهنگ رضوی، شماره اول.

